



درس دهم

دوستی با حق

هدف کلی : شناخت آثار محبت داشتن به خدا و تلاش برای تقویت رابطه محبت آمیز با او،
دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا

قرائت

آیات شریفه زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

فَاتَّبِعُونِي

يُحِبِّكُمْ اللَّهُ

وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آل عمران، ۳۱

لَا تَجِدُ قَوْمًا

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

يُؤَادُونَ

مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ،

وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ

أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ

أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

مجادله، ۲۲

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ هَمَانَا كَه بَرَاي شَمَا نَمُونَه نِيكويي بود

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ
 إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ
 إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ
 وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 كَفَرْنَا بِكُمْ
 وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ
 وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا
 حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ

در روش ابراهیم و همراهان او
 آنگاه که به قوم خود گفتند
 به حقیقت که ما از شما بیزاریم
 و از آنچه جز خدا می پرستید
 نسبت به شما کافریم
 و پدید آمده میان ما و شما دشمنی
 و کینه برای همیشه
 مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

ممتحنه، ۴

ترجمه

با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

فَاتَّبِعُونِي = فَ + اتَّبِعُوا + ن + ی : پس مرا پیروی کنید.

يُحِبِّبِكُمْ : تا شما را دوست بدارد

يُؤَادُّونَ : دوستی می کنند

حَادَّ : دشمنی کرده است

با اندیشه و تدبر در آیات، پیام‌های مربوط به دوستی را تکمیل کنید.

ردیف	پیام‌ها	سوره/آیه
۱	لازمه دوستی با خداوند
۲	نمی‌شود کسی ولی با دشمن او
۳	حضرت ابراهیم (ع) و کسانی که به او اقتدا می‌کنند، همواره از کسانی که می‌پرستند و از آنچه بیزاری می‌جویند و اعلام براءت می‌کنند.
۴	میان کسانی که با خدا دوستی می‌ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه برقرار است، مگر آنکه آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه و منشأ بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دلستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدم‌ها جهت می‌دهد. به هر میزان که این محبت شدیدتر و عاشقانه‌تر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. مثلاً کسی که دوستدار پول و ثروت است سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد، کسی که شیفته مد و لباس است روز و شب خود را دلمشغول دست یافتن به آخرین مدل‌ها و مدهاست و یا کسی که محبوب و معشوق خود را فلان هنرپیشه یا خواننده قرار می‌دهد، رفتار و ظاهر و حتی نوع زندگی خود را شبیه وی می‌سازد. اما آیا هر چیز و هر کسی شایسته آن هست که قلب ما انسان‌ها را از آن خود کند؟ آن هم انسانی که خداوند به فرشتگانش دستور می‌دهد تا به وی سجده کنند و به او این امکان را می‌دهد که جانشین وی در زمین باشد؟



پیامبر اکرم ص: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می‌شود.^۱
با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان‌هایی که در دنیا
محبوب خود قرار داده است همراه و هم‌نشین خواهد بود و به سرنوشت همان‌ها دچار
خواهد شد؟

عده‌ای از جامعه شناسان برتر دنیا در دانمارک جمع شده بوده‌اند تا درباره موضوع مهمی به بحث و تبادل نظر بپردازند. موضوع این بود: ارزش واقعی انسان به چیست؟

علت انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش خیلی از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به وزن و عیار آن است، معیار ارزش درخت میوه به نوع محصول و کیفیت آن است، معیار ارزش یک زمین میزان حاصلخیزی آن است و...؛ اما معیار ارزش انسان‌ها در چیست؟!

هر کدام از جامعه شناس‌ها صحبت‌هایی در این باره داشتند و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است. اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازه خداست. با تمام شدن حرفم تمامی جامعه شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیه‌السلام است. آن حضرت در نهج البلاغه می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه احترام به شخصیت حضرت علی علیه‌السلام از جا بلند شدند و با تعجب نام آن حضرت را بر زبان جاری می‌کردند.^۱

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیبایی‌ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی او رنگ و بوی دیگری می‌یابد. عشق و محبت الهی افسردگی، خمودی، ترس و یأس را از بین می‌برد و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت می‌بخشد. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت و ناشکیبا را متحمل و شکیبیا می‌کند و بالاخره آدمی را از خودخواهی و نفع‌پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند؛ خلاصه، عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند. این همه تغییر به این علت است که اساساً قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی‌یابد.

امام صادق (ع) : قلب انسان حرم خداست، در حرم خدا غیر خدا را جا ندهیم.^۱

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵

بیشتر بدانیم

گوهرشاد خانم، همسر شاهرخ میرزا و عروس امیر تیمور گورکانی - سازنده مسجد مقدس گوهرشاد، زنی بسیار مومن و با تقوا بود. در زمان ساخت مسجد گوهرشاد، روزی طبق معمول برای بازدید و سرکشی، به مسجد رفت. در این هنگام یکی از کارگران جوان وی را دید و عاشق دل‌باخته او شد؛ هر روز که می‌گذشت آتش عشق به گوهرشاد در وجود آن جوان شعله‌ورتر می‌شد. افزون شدن عشق به گوهرشاد از یک سو و جرأت نداشتن بابت مطرح کردن این عشق از سوی دیگر، باعث شد تا آن جوان پس از مدتی بیمار شود و در بستر بیفتد. به گوهرشاد گزارش دادند که یکی از کارگران زحمت‌کش مسجد که با مادرش زندگی می‌کند به شدت مریض شده است و نمی‌تواند برسر کار بیاید. بعد از شنیدن این ماجرا گوهرشاد به عیادت آن کارگر رفت و علت بیماری را از مادر وی جویا شد. مادر که به شدت نگران حال فرزندش بود با ترس و لرز گفت: او عاشق شما شده است! گوهرشاد با آنکه عروس شاهزاده بود با متانت گفت: به پسر تو بگو من برای ازدواج با تو آماده هستم اما با یک شرط؛ و آن اینکه تا چهل روز در مسجدی که در حال ساختش هستی فقط نماز و عبادت خدا را به جای آوری. هرگاه

پسر تو این شرط را به جا آورد من از همسر خود طلاق می‌گیرم و با او ازدواج می‌کنم! جوان عاشق وقتی پیغام گوهرشاد را شنید از این مژده حالش خوب شد و گفت چهل روز که چیزی نیست اگر چهل سال هم بگویند حاضرم. او رفت و مشغول نماز در مسجد شد به امید اینکه پاداش نمازهایش ازدواج و وصال گوهرشاد باشد. روز چهارم گوهرشاد قاصدی فرستاد تا از حال جوان خبر بگیرد. جوان به فرستاده گوهرشاد گفت: به گوهرشاد خانم بگو من دیگر نیازی به ازدواج با تو ندارم. قاصد گفت منظورت چیست؟ مگر تو عاشق گوهرشاد خانم نبودی؟ جوان گفت آن وقت که عشق گوهرشاد من را بیمار و بی‌تاب کرد هنوز با معشوق حقیقی آشنا نشده بودم ولی اکنون به خاطر لذتی که در اطاعت و بندگی خدا یافتم، جز او معشوقی نمی‌خواهم. من با خدا مأنوس شدم و فقط با او آرام می‌گیرم. اما از گوهرشاد هم ممنون هستم که مرا با خداوند آشنا کرد.

البته برای اینکه محبت خدا را به دل راه دهیم باید کارهای زیر را انجام دهیم:

۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از

فرمایش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.

برخی می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد؛ اعمال

ظاهری اهمیت ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است. اما این توجیه، با کلام خداوند

سازگار نیست. او می‌فرماید اگر مرا دوست دارید شایسته است از دستورات من پیروی کنید.^۱

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

ما احب الله من عصاه^۲؛ کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد.

خداوند در فرمان‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او ناصحانه به ما هشدار می‌دهد و

ما را به کارهایی که به نفع ما است، راهنمایی می‌کند. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند

سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است. باید بگذاریم عشق به

سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آنگاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد.

۱- آل عمران، ۳۱

۲- امالی، شیخ صدوق، ص ۳۶۹.

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم به دنبال این هستیم تا آنچه را که وی دوست دارد و او را خرسند می‌کند انجام دهیم تا علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم بایستی چه کارهایی انجام دهیم.

خداوند بنده به گناه افتاده توبه کار را دوست دارد.

خداوند انسان با حیایِ پر دبار با عفتی را که پاکدامنی می‌ورزد، دوست دارد.

خداوند فریاد رسی دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند انسان‌های گشاده‌رو را دوست دارد و با اخموی ترش رودشمن است.

خداوند جوانی که جوانیش را در اطاعت از او بگذراند دوست دارد.

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد.

۲- دوستی با دوستان خدا : اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت همه کسانی که رنگ و نشانی از او دارند، و خداوند به محبت و دوستی به آنان فرمان داده است را در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیاء و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان (ع) هستند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و عشق به آنان در مسیر عشق به خداوند است.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان : عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضدخدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همه پیامبران، از حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) تا پیامبر اسلام (ص) زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و زشتی و نامردمی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوق‌شان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

فعالیت کلاسی

با بررسی و تحلیل دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزین به حقوق انسان‌ها را مشخص کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همه مظلومین و ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

نتیجه‌اینگه

دینداری، با دوستی با خدا آغاز می‌شود و براءت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون نماید. جمله «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «بله» است: «نه» به هرچه غیرخدایی است و «آری» به خدای یگانه.^۱

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان آن) و به میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی (ره) بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این‌گونه سفارش می‌کند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».^۲

(بین این بیشتر بدانیم و بیشتر بدانیم بعدی که قبلاً نیز در درس بوده یکی انتخاب شود)

برخی ها وقتی متوجه زیبایی دوستی با خدا می شوند، آرزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند، اما در نیل به این آرزو با یک مشکل مواجه می شوند. آنها می گویند ما ناآگاهانه محبت کسانی را به دل راه دادیم که خدا و دین او به آن راضی نبودند؛ حال چگونه می توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟

اولین کار برای بیرون راندن این محبت ها از دل، توجه به منشأ آن است. با توجه به روایات منشأ اصلی گرفتار شدن به این گونه محبت ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید از آن حضرت درباره عشق های باطل پرسیدم، ایشان فرمود: دل هایی که از یاد خدا خالی شده باشد خداوند محبت غیر خودش را به این دل ها می چشاند.^۱

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیرخدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی هم چون نماز و روزه، حضور در مکان های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعاهایی همچون دعای کمیل، دعای ابوحمزه ثمالی، دعاهای صحیفه سجادیه، حضور در مجالس و مراسم های دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعه زندگانی انسان هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده اند (همچون کتاب های زندگانی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می کند.

دومین کار در این مسیر مبارزه با تخیلات است، چرا که یکی از اصلی ترین راه های زیاد شدن عشق های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است باید از خود دور کنیم. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه هایی از این دست است که باید آنها را از بین برد.

سومین کاری که باید برای زدودن این گونه محبت ها و عشق های باطل انجام دهیم، زیاد کردن ارتباط محبتی با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار این قبیل

عشق‌ها می‌شوند با اعضای خانواده خود ارتباط محبتی قوی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و یا خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند.

چهارمین کاری که باید توسط ما صورت گیرد، قطع کردن ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه نکته قبلی نباشد، اثربخش نخواهد بود.

پس از انجام این مراحل، انسان روز به روز احساس می‌کند قلبش از عشق به خدا بیش از گذشته لبریز شده است و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

بیشتر بدانیم ۲

محبت با معرفت

چه زیبا است که برنامه زندگی ما سرشار از جلوه‌های محبت و دوستی به پیامبر گرامی و اهل بیت ایشان صلوات الله علیهم است و همان‌طور که امام صادق (ع) از ما خواسته‌اند، در شادی آنان شاد و در مصیبت آنان سوگوار و عزادار هستیم. ما با حضور فعال در مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) محبت خود را نشان می‌دهیم و زمینه‌های پیروی از آن بزرگواران و رشد خویش را فراهم می‌سازیم.

برای اینکه مراسم بزرگداشت اهل بیت (ع) و جلوه‌های دوستی ما به آنان بیشتر رشد دهنده و قابل قبول‌تر به پیشگاه خداوند باشد، توجه به موارد زیر ضروری است:

۱- این محبت و دوستی را با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه کنیم و شور خود را با شعور عجمین سازیم تا مراسم جشن‌ها و سوگواری‌ها متناسب با شأن آن بزرگواران باشد و از چارچوبی که دین تعیین کرده، خارج نگردد. محبت‌های آمیخته با جهل همواره خطرناک است و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدای متعال و پیشوایان دین از آنها بیزارند.

امام علی (ع) می‌فرماید :

دو تن در رابطه با من هلاک شدند : دوستی که (در دوستی‌اش) غلو و زیاده‌روی می‌کند (و مرا از مرتبه ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌فشارد.^۱

یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید روزی به دیدار امام رفتم. ایشان به من

فرمود :

ای حیثمه، سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل، و ولایت ما را جز با خویشتن‌داری به دست نمی‌آورند. ای حیثمه کسی که ولایت ما و معرفت نسبت به ما را ندارد هیچ سودی نخواهد برد.^۲

سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که آنان با ادعای محبت بدون معرفت و بدون عمل مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین، نزدیکی هرکس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است.

۲- محتوای مراسم جشن یا سوگواری اهل بیت (ع)، از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شود که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با احکام شرعی باشد. عبارات‌ها و جملاتی که برای این بزرگواران به کار می‌بریم باید مورد قبول خودشان باشد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پا افتاده و انجام حرکات نسنجیده به بهانه شادی یا سوگواری، موجب رنجش آن بزرگواران و در نتیجه، بیزارای خداوند از ما می‌شود.

با مراجعه به متن زیارت‌ها، مانند زیارت جامعه، می‌توانیم بهترین اوصاف را درباره

آن بزرگواران بیابیم و استفاده کنیم.

۱- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۱۱۷.

۲- الشیعه فی احادیث الفریقین، سیدمرتضی موحدابطحی، ص ۳۵۴.

۳- توجیهاتی از قبیل «در هنگام ابراز محبت، آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت (ع) انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و «عشق را نمی‌توان کنترل کرد و محدود ساخت»، هیچ کدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت (ع) پذیرفته نیست و مجوز رفتارهای مخالف دین نمی‌شود. این مراسم باید تجلی‌گاه عفاف و حجاب ظاهری، عفاف در کلام، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به هموعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، حفظ اموال عمومی، دوری از رقابت‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام، باید تجلی‌گاه معرفت ائمه (ع) باشد.

۴- همه ما مسئولیت داریم که در این گونه مراسم، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به دقت انجام دهیم. چرا که از بزرگ‌ترین منکرها، بی‌حرمتی به پیشوایان دین در مراسمی است که برای حرمت و بزرگداشت آنان برگزار می‌شود. به همین جهت ضرورت دارد به نکات زیر توجه نماییم:

الف) بدانیم که برنامه‌ها و کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است.
ب) در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر و دیار خود مراجعه کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا با اطمینان خاطر آن اعمال را انجام دهیم.

اندیشه و تحقیق

- ۱- برای تقویت دوستی خود با خداوند، از چه راه‌هایی می‌توان کمک گرفت؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟

پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان (صلوات الله علیهم) و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آنها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی - رحمه الله علیه - که از پیروان راستین پیامبر اکرم (ص) بود، زندگی خود را در مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟